

## فلسفه در آلمان (از لوتر تا نیچه)

مریم گودرزی

دکتر کریم مجتهدی با کتاب های بسیاری که در زمینه فلسفه نگاشته، در بین علاقه مندان به این رشته نویسنده ای شناخته شده است. از جمله آثار او می توان به فلسفه نقادی کانت، چند بحث کوتاه فلسفی، سید جمال الدین اسدآبادی و تفکر جدید، و فلسفه در قرون وسطی اشاره کرد. فلسفه در آلمان یکی از جدیدترین آثار اوست. در این اثر او می کوشد تا در حد توان به شکلی موجز (در ۶۰۷ صفحه) متفکران برجسته و مکتب های فکری شکل گرفته در آلمان را در طی چند سده معرفی و تشریح کند. دکتر مجتهدی در تألیف این کتاب تلاش کرده تا با تکیه بر تجربه سال ها تدریس در دانشگاه و با توجه به نیاز قشر دانشجو و علاقه مند به فلسفه، مطالب کمتر گفته شده درباره فلسفه آلمان را به شکلی منسجم بیان کند. او به مخاطبانش همچون دانشجویانی تشنه دانستن می نگرد و نه فیلسوفانی عالم. به همین دلیل، اثرش جنبه آموزشی دارد و بر خلاف ترجمه های رایج آثار فلسفی، زبانش ساده و پیراسته است و تا حد امکان عاری از جملات ثقیل و پیچیده و اصطلاحات بیگانه.

او در پی آن است تا از پیچیدگی های کلام فلسفی بکاهد و جان مایه دانسته هایش را به ساده ترین شکل برای مخاطب شرح دهد. به همین دلیل و نیز به دلیل آمیخته شدن مفاهیم فلسفی با تاریخ و زندگی نامه فلاسفه، این کتاب بسیار خواندنی و به راحتی قابل درک است.

همان گونه که از عنوان آن بر می آید، در این اثر نظم تاریخی ظهور فلاسفه و جریان های فکری آنها رعایت شده و نویسنده از عصر و تفکرات لوتر کتاب را شروع کرده و با نیچه به پایان رسانیده و کوشیده جریان های تاریخی و اجتماعی آلمان را در فاصله زمانی بین ظهور این دو فیلسوف که نزدیک به چهار قرن را در بر می گیرد، با دقت تشریح کند. با این حال، اثر به گونه ای نگاشته شده که هر بخش آن به صورت مستقل نیز قابل مطالعه باشد.

روال کلی اثر این گونه است که نویسنده پیش از آن که در هر بخش به فیلسوفان بزرگ آلمان بپردازد، شمه ای از فضای تاریخی / اجتماعی عصر هر فیلسوف را در ابتدای فصل می آورد و سپس زندگی نامه ای نسبتاً مفصل از آن فیلسوف را روایت می کند که می تواند برای علاقه مندان بسیار جالب و خواندنی باشد و البته به فهم

فلسفه در آلمان

(از لوتر تا نیچه)

دکتر کریم مجتهدی

فلسفه در آلمان (از لوتر تا نیچه)؛

دکتر کریم مجتهدی؛ تهران:

پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی،

چاپ اول، ۱۳۸۸.



لوتر برای اولین بار با نگاهی جدید به رابطه انسان و خداوند نگریست و سعی کرد به انسان اروپایی که تا آن زمان خداوند را تنها با صفت قهار می شناخت، خداوندی رحیم معرفی کند و این در زمان خود بسیار اصیل و تازه می نمود.



اهمیت تاریخی تعلیمات او دلالت دارد، آن هم نه فقط در آلمان، بلکه به معنایی در کل کشورهای اروپایی آن عصر.<sup>۱</sup> و این اهمیت، اجمالاً، از آنجا ناشی می شود که لوتر برای اولین بار با نگاهی جدید به رابطه انسان و خداوند نگریست و سعی کرد به انسان اروپایی که تا آن زمان خداوند را تنها با صفت قهار می شناخت، خداوندی رحیم معرفی کند و این در زمان خود بسیار اصیل و تازه می نمود.

پس از میحث لوتر، عصر او و اندیشه های او (نزدیک به ۱۰۰ صفحه) فصلی دیگر آغاز می شود با عنوان «آلمان در اواسط قرن هفدهم» که مقدمه ای است برای مبحث لایب نیتس. اگر چه این مقدمه تاریخی / اجتماعی به اندازه مقدمه ای که برای لوتر آمده بود، مفصل نیست؛ اما گزارشی که پس از آن در باب افکار لایب نیتس می آید، مفصل ترین بخش کتاب را به خود اختصاص می دهد. در پایان این فصل مفصل چنین می آید: «شاید بتوان گفت که قدرت پویایی و جوآلیت تفکر لایب نیتس به نحوی بیش از همه فلاسفه پیرو اصالت عقل در عصر جدید بوده است، چه آنها که قبل از او به تفکر پرداخته اند، چون دکارت و اسپینوزا و چه آنها که بعداً نظرهای خود را بیان کرده اند، چون وولف و بسیاری دیگر.»<sup>۲</sup>

بخش سوم کتاب تحت عنوان طولانی «استبداد منور فردریک دوم و فلسفه اصالت عقل ژان کریستیان ولف» (آلمان در اواسط قرن هیجدهم) به فیلسوف آلمانی پیرو اصالت عقل می پردازد و پس از او بدون هیچ مقدمه ای به فیلسوف مشهور هم عصر او یعنی کانت، چنانچه پیش از این اشاره شد گزارش افکار و زندگینامه مربوط به کانت به نسبت اهمیت او در مباحث فلسفی، بسیار مختصر است و به اشاره اجمالی به طرح کلی فلسفه کانت و مدخل های اصلی آن بسنده می شود.

فصل بعدی کتاب تحت عنوان «گرایشهای مختلف تفکر فلسفی در نیمه دوم قرن هیجدهم میلادی در آلمان» نگاشته شده و چنان که از نامش بر می آید، مفصلاً به جریان های فکری قرن هجدهم از قبیل پیتسیسم، فراماسونی، منورالفکری و ملی گرایی و... می پردازد و پس از آن نوبت به فیخته جوینده آزادی می رسد. همان گونه که اشاره شد، این فصل به شکلی مفصل نگاشته شده که بیش از هر چیز، دلیل آن معرفی کامل این فیلسوف به دانشجویان و علاقه مندان به فلسفه

چگونگی شکل گیری تفکرات و ایده های فلسفی فیلسوف مورد نظر کمک شایانی کند. پس از آن نحله فکری و سیر تاریخی تحولات فکری و فلسفه های مطرح شده توسط هر فیلسوف و آثار و تألیفات آنها را با حوصله شرح می دهد. در پایان ضمیمه ای شامل دو مقاله مستقل از مؤلف درج شده که می تواند برای علاقه مندان مفید واقع شود.

اگر چه روال همه بخش ها تقریباً یکسان است، اما تعداد صفحاتی که به فیلسوفان مختلف اختصاص یافته و حجم مطالب بیان شده درباره آنها به یک اندازه نیست و در این زمینه مؤلف به غیر از اهمیت هر فیلسوف نکته دیگری را هم در نظر داشته و آن میزان مطالبی است که پیش از این کتاب در باره هر فیلسوف منتشر شده؛ برای مثال تنها ۲۰ صفحه از کتاب به کانت اختصاص یافته. زیرا همان گونه که در مقدمه کتاب هم آمده، پیش از این اثر مطالب بسیار مفصلی درباره کانت چاپ شده است و نویسنده برای پرهیز از زیاده گویی و تکرار مکررات به حداقل ممکن بسنده کرده و آوردن همین حداقل نیز به این دلیل است که کانت تأثیرات بسیاری بر جریان های فکری پس از خود داشته و امکان حذف و یا خلاصه تر کردن فصل مربوط به او نبوده است و این در حالی است که فصل مربوط به لایب نیتس ۱۱۰ صفحه از کتاب را در بر گرفته و از این جهت می تواند منبع بسیار پر باری برای علاقه مندان به فلسفه و مخصوصاً تفکرات این فیلسوف باشد. حتی برای فیخته که در ایران فیلسوفی کمتر شناخته شده است، ۸۶ صفحه اختصاص یافته و دلیل آن یکی اهمیتی است که او در تلفیق فلسفه تک جوهری اسپینوزا با فلسفه نقادی کانت داشته است و دیگر، مطالب بسیار اندکی است که در باره او ترجمه و یا چاپ شده است.

نویسنده پیش از شروع بحث درباره اولین فیلسوف خود یعنی لوتر، فصلی نسبتاً مفصل با عنوان «آلمان در عصر جدید» آورده که در آن، شرایط و نحوه تغییر بسترهای اجتماعی، سیاسی و فکری آلمان را تشریح کرده تا به «سهام تاریخی لوتر» برسد. وی درباره این سهم تاریخی چنین می آورد: «هر نوع تحقیقی که درباره جو حاکم بر اعتقادات دینی و اجتماعی آلمان در آغاز قرن شانزدهم بشود، به ناچار ارتباط نزدیکی با افکار و موضع لوتر پیدا می کند و آشکارا بر

نیچه اگر چه بی اندازه سنت شکن است؛ اما برای شناخت جایگاه واقعی او و فهمیدن همه آنچه می گوید، ناگزیر باید اندیشه های فیلسوفان پیش از او را به دقت خواند.



اشعار هولدرلین و تفکرات فلسفی موجود در آنها در تکوین افکار شلینگ، هگل و مخصوصاً هایدگر نقشی به سزا داشته است.



با ظهور شوپنهاور، کیر کگار و نیچه دوره تاخت و تاز فلاسفه بزرگ در دانشگاه های آلمان به پایان رسیده است و این تا حدی به اعتقاد این فیلسوفان به تفکر آزاد و خارج از قید و بند دیالکتیکی باز می گردد



فیخته اگر چه فیلسوف چندان تأثیر گذاری بر جریان های فکری پس از خود نبوده، اما همچون حلقه ای در زنجیره فلاسفه قبل و بعد نقش مؤثری در انتقال تفکرات پیش از خود و تشریح آنها داشته و حذف کردن او قطع این زنجیره و نادیده گرفتن بخشی از سیر تفکری آلمان محسوب می شود و از آنجا که منابع چندانی درباره او در فارسی نوشته و ترجمه نشده است، دکتر مجتهدی برای جبران این کمبود صفحات زیادی از کتاب خود را به او اختصاص داده است. مسئله ای که در بخش بعدی کتاب توجه را به خود جلب می کند، نام یک شاعر در میان فیلسوفان بزرگ آلمانی است: هولدرلین. هولدرلین شاعر رمانتیک معروف آلمانی اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم هیچ گاه هیچ کتاب فلسفی به معنای خاص آن ننگاشته است، اما آن چیزی که باعث شده نامش در میان نام فیلسوفان بزرگ و تأثیرگذار درج شود، تفکرات فلسفی اوست که در اشعارش به وضوح قابل مشاهده است. دکتر مجتهدی در باره او چنین آورده: «شعر برای هولدرلین، ابتدا و انتهای فلسفه است و با این که این دو هیچ گاه کاملاً برهم منطبق نمی شوند، در نزد او گویی همیشه زیربنایی هستی شناسانه دارد. در واقع هنر او در بطن " هستی " طبیعت قرار می گیرد و جلوه های متنوع آن را نمایان می سازد.»<sup>۳</sup> آن گونه که مؤلف می آورد اشعار هولدرلین و تفکرات فلسفی موجود در آنها در تکوین افکار شلینگ، هگل و مخصوصاً هایدگر نقشی به سزا داشته است. هولدرلین آن چنان ارزشی برای شعر قائل بوده است که با وجود افکار فلسفی بدیع خود هیچ گاه در صدد نگارش کتابی مدون در زمینه فلسفه برنیامد و تا آخر عمر همچنان افکار خود را به زبان شعر بیان می کرد.

است. زیرا که فیخته اگر چه فیلسوف چندان تأثیر گذاری بر جریان های فکری پس از خود نبوده، اما همچون حلقه ای در زنجیره فلاسفه قبل و بعد نقش مؤثری در انتقال تفکرات پیش از خود و تشریح آنها داشته و حذف کردن او قطع این زنجیره و نادیده گرفتن بخشی از سیر تفکری آلمان محسوب می شود و از آنجا که منابع چندانی درباره او در فارسی نوشته و ترجمه نشده است، دکتر مجتهدی برای جبران این کمبود صفحات زیادی از کتاب خود را به او اختصاص داده است.

مسئله ای که در بخش بعدی کتاب توجه را به خود جلب می کند، نام یک شاعر در میان فیلسوفان بزرگ آلمانی است: هولدرلین. هولدرلین شاعر رمانتیک معروف آلمانی اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم هیچ گاه هیچ کتاب فلسفی به معنای خاص آن ننگاشته است، اما آن چیزی که باعث شده نامش در میان نام فیلسوفان بزرگ و تأثیرگذار درج شود، تفکرات فلسفی اوست که در اشعارش به وضوح قابل مشاهده است. دکتر مجتهدی در باره او چنین آورده: «شعر برای هولدرلین، ابتدا و انتهای فلسفه است و با این که این دو هیچ گاه کاملاً برهم منطبق نمی شوند، در نزد او گویی همیشه زیربنایی هستی شناسانه دارد. در واقع هنر او در بطن " هستی " طبیعت قرار می گیرد و جلوه های متنوع آن را نمایان می سازد.»<sup>۳</sup> آن گونه که مؤلف می آورد اشعار هولدرلین و تفکرات فلسفی موجود در آنها در تکوین افکار شلینگ، هگل و مخصوصاً هایدگر نقشی به سزا داشته است. هولدرلین آن چنان ارزشی برای شعر قائل بوده است که با وجود افکار فلسفی بدیع خود هیچ گاه در صدد نگارش کتابی مدون در زمینه فلسفه برنیامد و تا آخر عمر همچنان افکار خود را به زبان شعر بیان می کرد.

فیلسوف بعدی که مؤلف به شرح حال و افکار او می پردازد، شلینگ است. نکته برجسته در تفکرات شلینگ توجه او به هنر و یا به عبارت بهتر به فلسفه هنر است. «به عقیده شلینگ هنر ارغنون واقعی فلسفه به حساب می آید. از طرف دیگر آنچه در فلسفه هنر شلینگ جلب توجه می کند، فقط نشان دادن اهمیت هنر در فرهنگ انسان نیست... بلکه بیان این نکته است که هنر خواه ناخواه عمیقاً جنبه هستی شناسی دارد و تفکر فلسفی با توجه به آن، غنای بیشتری می یابد.»<sup>۴</sup>

در ادامه، گزارشی نه چندان طولانی درباره هگل می آید تحت عنوان «هگل و آموزش رسمی فلسفه در دانشگاههای آلمان». علی

رغم اهمیت و شهرتی که هگل در فلسفه غرب دارد، مؤلف این فصل را هم همچون فصل کانت، موجز نگاشته و شاید این نیز باز می گردد به تألیفات متعددی که پیش از این درباره هگل داشته است، از جمله: درباره هگل و فلسفه او، پدیدار شناسی روح بر حسب نظر هگل، منطق از نظر گاه هگل.

فصل پایانی کتاب که به درستی حسن ختامی برای این اثر محسوب می شود، به تفکرات دو فیلسوف جهان مدرن، یعنی شوپنهاور و نیچه می پردازد. مؤلف در این فصل بر این باور است که با ظهور شوپنهاور، کیر کگار و نیچه دوره تاخت و تاز فلاسفه بزرگ در دانشگاه های آلمان به پایان رسیده است و این تا حدی به اعتقاد این فیلسوفان به تفکر آزاد و خارج از قید و بند دیالکتیکی باز می گردد. در آخرین بند متن اصلی کتاب چنین می آید: «یادآوری می کنیم که اگر به چستی می توان گفت که فلسفه در این کشور [آلمان] به معنای جدید کلمه با انتقادات لوتر از تعلیمات تحریف شده و ناکارآمد کلیسای رومی شروع شده است، در عوض، به هیچ وجه نمی توان گفت که با افکار نیچه و یا حتی با انتقادات اسپینگلا و یا فاشیسم به پایان رسیده باشد.»<sup>۵</sup>

در ادامه نویسنده تذکر می دهد که برای داشتن آینده ای بهتر همیشه باید ریشه های دوانده شده در گذشته را نگاه داشت و بر پایه آنها آینده را سالم و بهنجار ساخت و نباید پنداشت که هر اندیشه ای که صرفاً سنت شکن است، می تواند بنیانگذار آینده باشد. نیچه اگر چه بی اندازه سنت شکن است؛ اما برای شناخت جایگاه واقعی او و فهمیدن همه آنچه می گوید، ناگزیر باید اندیشه های فیلسوفان پیش از او را به دقت خواند. این روش با هدف قدرت اندیشه و تقویت تفکر از سطحی اندیشی ممانعت خواهد کرد. «سطحی اندیشی، نه فقط آفت اصلی فلسفه، بلکه مظهر انحطاط کل فرهنگ انسانی است.»<sup>۶</sup>

#### پی نوشت ها

۱. فلسفه در آلمان، ص ۳۷.
۲. همان، ص ۲۳۰.
۳. همان، ص ۴۴۸.
۴. همان، ص ۴۹۴.
۵. همان، ص ۵۶۳.
۶. همان، ص ۵۶۵.